



مرجان صابنی

۷ برای شروع بهتر است از محل اجرای نمایش باغبان مرگ شروع کنیم. چون در نشست خبری هم عنوان گردید به‌خاطر عدم حمایت تئاتر شهر برای این اجرا سالن شمس را در نظر گرفتید.

اصلی‌ترین دغدغه این روزهای من شکل‌گیری تئاتر مستقل است چرا که در کجا که فرهنگ و هنر رشد کرده است به ناچار، تئاتر حرفه‌ای سمت گسترش و استقلال‌رفته و هر جا که تئاتر زنده است و وظیفه فرهنگ‌سازی‌اش را انجام می‌دهد، تئاتر مستقل به شکل موبری در سطح جامعه گسترش پیدا کرده است.اینکه ما فقط الکمای از این‌تئاتر را در مراکزی خاص و با نظارتی خاص اجرا کنیم، اتفاقی که باید برای تئاتر در جامعه به‌وجود بیاید، نمی‌افتد. وقتی تئاتر رشد می‌کند و جایگاه اصلی خودش را پیدا می‌کند که ما در هر محله یک سالن تئاتر داشته باشیم که تماشاگران همان محل را داشته باشند و کم‌کم برای بچه‌های همان محله «ورکشاپ» برقرار و آنها را از کودکی، با تئاتر آشنا کند. چون وقتی بچه‌ها از سنین پایین مثلا با «شکسپیر» آشنا شوند قطعا در ارتقای شعور اجتماعی و کاهش بزهکاری و آسیب اجتماعی تاثیر بسزایی خواهد داشت. من دوستان دیگری از یک زمانی تصمیم گرفتم به

سمت تئاتر مستقل برویم و از طریق گیشه و منابع مالی دیگر هزینه‌ها را تامین کنیم. می‌توان گفت بخش خصوصی اما سوازهٔ تفاهم‌برانگیز بخش خصوصی به این معنا نیست که دیگر دولت از شما حمایت نکند!اتفاق باید از گروهایی که سعی می‌کنند تئاتر را در سطح دهر گسترش دهند بیشتر حمایت کند دولت و شهرداری وظیفه دارند به گروهی که در یک سالن ناشناخته برنامه اجرا می‌کند کمک هزینه دهند. چون به این وسیله به آنها اطمینان می‌دهد که ضرر نمی‌کنند و حداقل می‌توانند هزینه‌های اولیه را پوشش دهند و از درآمد گیشه باقی هزینه‌هایشان تامین شود. اما در حال حاضر تئاتر انگار هیچ چیز اهمیت ندارد. مدت زیادی است که ما یک جنس مدیریت از بالای غربی را شاهدیم که به هیچ اصولی نمی‌توان آن را توجیه کرد یا توضیح داد.

۷ در حال حاضر حمایت دولت از تئاتر کمتر از کم در حد مطلوبی نیست. به نظر تان توقع حمایت از تئاتر مستقل منطقی است؟

مثل این می‌ماند که بگویم، چون چشَم ما خوب کار نمی‌کند پس نباید قلبمان را معالجه و با آن رسیدگی کنیم. تئاتر متحرک کمشور در مراکز دولتی کارشان را در نقاط شناخته‌شده فرهنگی انجام می‌دهند؛ اتفاقا تئاتری که در نقاطی ناشناخته بروز می‌کند، باید مورد توجه و دقت قرار گیرد وگرنه که یکسری جرقه‌های خودجوش زده شده و درجای می‌ریزند.

۷ تقریبا چون به نظر کمی دور از ذهن است…

نه دور از ذهن نیست چون تصور می‌کنم ما اساسا دچار سومeditریت هستیم. ما دوران سخت فرهنگی را پشت‌سر گذاشته‌ایم. می‌توانم این را بگویم چون هشت سال است که از هیچ‌گونه حمایت یا سوسپند دولتی استفاده نکرده‌ام. بسیاری از افرادی که از کمک‌هنرها و امکانات دولتی استفاده کرده‌اند و خروجی منحصر بفردی چه در مدیریت و چه در اجرای آن نداشته‌اند امروز دست خود را می‌شویند و انگار تازه امروز بادشان افتاده در سال‌های گذشته چه بلایی سر تئاتر و گروه‌هایی چوم ما آمده است و تازه الان آنها هم جزو شاکیان هستند و این برای من قابل هضم نیست!

ما در چند سال اخیر اتفاق مهم تئاتری نداشته‌یم. بزرگان تئاتر هیچ‌کدام فرصت ابراز پیدا نکردند. دستاوردهای بین‌المللی تئاترمان کم شده است. سالانه ۸۰،۷۰ نفر از دست‌اندر کاران بین‌المللی تئاتر، تماشاگران جشنواره فجر بودند. اما سال گذشته ما حتی ۱۰ نفر مدیر یا تهیه‌کننده یا حتی گروه اجرایی مهم در جشنواره نداشته‌یم. تئاتر ما تقریبا از بخش بین‌المللی خارج شد. قبلا گروه‌های ایرانی در کشورهای مختلف اجرا داشتند اما این اتفاق به کم‌رنگ‌ترین دوران خود نزول پیدا کرد به‌شانه بید شرایط خاص سیاسی و تحریم‌ها اعلام شد. اما به دلیل ارتباط من با گروه‌های تئاتر خارجی باید بگویم در سخت‌ترین شرایط با مدیریت و داشتن ایده‌های خاص می‌توان مشارکت کرد و گروه‌های تئاتری بسیاری دلشان می‌خواهد با ایران همکاری داشته باشند ولی وقتی بر‌خورد ما مانند برخوردی است که با کار بر فرهنگی «همایون غنی‌زاده» از طرف مرکز هنرهای نمایشی کردیم، دیگر کورس‌های امید ما از بین می‌رود. همه اینها به خاطر سومeditریت و عدم شناخت تئاتر و نگاه فرمایشی و قییم‌بانه به تئاتر است. سیاست‌گذاری دولت گذشته در بخش فرهنگ و هنر در همه حوزه‌ها مثبت نبوده است. حالا در این بین گروه‌هایی هم بودند مثل ما که دست و پا زدند تا مامعاشان را از آب بیرون نگذارند. برای اینکه بتوانند سالی یک کار اجرا کنند و زیر بار قرض و وام رفقتان. تاثیرگذارترین کارهای چهار سال اخیر (چه از لحاظ بر مخاطب‌بودن و چه از نظر به‌وجودآوردن یک موج اجتماعی و تاثیر فرهنگی) گروه‌های مستقل بوده است. یعنی تئاترهایی که در تئاتر شهر و تالار وحدت اجرا نداشتند و اکثرا نمایش‌ها موفق در تماشاخانه ایران‌شهر اجرا شده‌اند. یعنی هنرمند کار خود دارد اما کمترین سعی نخواهد هنرمندان از امکانات تالار وحدت و تئاتر شهر استفاده کنند. تالار حافظ را من ساختم ولی در سال اول آن سالن جدید، از رونق انداخته شد و الان یک سالن بی‌هویت است که مشخص نیست چه جنس کارهایی در آن اجرا می‌شود و تازه اسمال تلاش‌هایی کوچک می‌خواهد سالن را رونق بخشد که باز هم با دخالت‌های نامعلوم نمی‌گذارد چرخ سالن بچرخد.

۷ اشاره کردید کسانی که از امکانات دولتی هم استفاده می‌کنند جزو شاکیان هستند.

من می‌توانم اعتراض کنم و خودم را محق می‌دانم چون از هیچ سهمیه دولتی استفاده نکردم و از فعالان تئاتر هستم و تا به حال بیش از ۲۵ اثر صحنه‌ای اجرا کردم و بالای ۱۰ تا از آنها، در تئاتر شهر اجرا شده اما الان هشت‌سال است که در هیچ سالن دولتی مجوز اجرا نداشته‌ام

۷ چرا؟

به هر دلیلی من و خیلی از دوستانم را رانده‌اند یعنی مراجعه کردیم و درخواست دادیم اما به جای رسیدیم، گروه ما حرفه‌ای است، محمد چرمشیر یکی از نمایشنه‌م‌نویسان معتبر کشور ماست. برای همین نمایشنامه «باغبان مرگ» یک‌سال‌ونیم ما ر سر کار گذاشتند. نمایشنامه‌ای که در شورای نظارت و شورای هنری تصویب می‌شود باید در نوبت اجرا قرار گیرد ولی باغبان مرگ تصویب شد، اما در برنامه قرار نگرفت. این برخورد توهین آمیزاست.

۷ دقیقا می‌خواهم بدانم به نظر تان این برخورد سلیقه‌ای به چه دلیل است یعنی با

یکسری از اسامی مشکل دارند؟

این تفکیک غلط باعث شده یکسری گروه‌های حرفه‌ای خوب نتوانند از امکانات دولتی استفاده کنند یکسری از گروه‌ها هستند که سرمدار تئاتر مستقل هستند و حاضر نیستند به هر قیمتی خودشان را به حراج بگذارند مثل گروه «لبو» و گروه‌های دیگر. که اتفاقا آنها باید بی‌چون و چرا حمایت شوند. این دولت که تمام شد، من منتظر تا ببینم سیاست‌گذاران فرهنگی جدید چه برنامه‌ای دارند. بودجه و امکانات دولتی باید عادلانه تقسیم شود. حداقل سالن‌های حفاظتی که من یک سال برای ساختن زحمت کشیدم به من نوبت اجرا دهد هیچ‌کدام از مدیران ما هم چنین کاری نتوانستند انجام دهند. من با یک ایده این کار را انجام دادم. وقتی یک نفر خودخوش کاری انجام می‌دهد که علمدارش دارد از او استفاده نمی‌شود و کسانی مسوولیت‌ها را عهده‌دار می‌شوند که کارهایشان از یک نگاه پاداستی و راضی کردن وی نشأت می‌گیرد که این نگاه کاملا با تئاتر بیگانه است. **۷** آسپب‌های اجتماعی یکی از مسائلی است که همیشه برای شما مطرح بوده از جمله پرسه‌های آن که به خشونت و حمایت در جامعه منجر می‌شود. قاتلان زنجیرهای

تئاتر